

گزارنده: عزیز آریانفر

## افغانستان باید پیش از رفتن ارتش امریکا بیطرفی خود را باز یابد

یادداشت گزارنده:

نگارنده از انگشت شمار کسانی بوده ام که چه در آستانه و چه پس از ورود نیروهای ائتلاف بین المللی به کشور، بارها اعاده استاتوس بیطرفی افغانستان را که برخاسته از سرشت جیوپولیتیک کشور و فلسفه وجودی آن است، شاه کلید گشایش بحران های چندلایه و درهم پیچیده آن و یگانه راه برون رفت از تنگنا های پیشروی آن خوانده ام.

دردمندانه در اوایل این موضوع گوش شنوایی نداشت. مگر در این اواخر هر چه بیشتر و بیشتر به شمار کسانی که به این مساله باورمند تر می شوند، افزوده می شود. از جمله فرانتس وندرل - نماینده پیشین جامعه اروپایی در افغانستان نیز چندی پیش اظهار داشت که «افغانستان در گذشته هم بیطرف بود و در آینده هم بیطرف خواهد ماند».

به همین سلسله، اینک گوشه هایی از گفتگوی یک کارشناس سرشناس چینی را با تارنمای «فرغانه رو» در زمینه خدمت پیشکش می نمایم.

به امید روزی که شعار بی طرف ساختن افغانستان به یک شعار سراسری ملی مبدل شود و در دستور کار جامعه جهانی قرار بگیرد.

پروفیسور داکتر ژانگ لی - رییس مدیر مرکز پژوهش های آسیای جنوبی جمهوری توده بی چین در یک گفتگوی اختصاصی با بانو کترین ایواشنکو - خبرنگار تارنمای «فرغانه رو» گفت: افغانستان باید پیش از رفتن ارتش ایالات متحده بیطرفی خود را باز یابد. این بدان معنا است که واشنگتن داوطلبانه در راستای تحدید نفوذ خود گام بر می دارد و مصمم به احترام به بی طرفی افغانستان است و در انتظار رفتار های همانند از دیگر کشورها است. چین به مبدل شدن افغانستان به یک کشور بیطرف بی ذینفع است و امیدوار است نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را در این کشور افزایش بخشد. تنها بدین گونه ما می توانیم سرمایه گذاری های صورت گرفته را محافظت نماییم و برای تحقق پروژه های نو اقتصادی زمینه سازی نماییم.

وی در پاسخ به این پرسش بانو کترین:

- آن چه مربوط می گردد به امنیت منطقه بی، به نظر می رسد که ایالات متحده در صدد ترک منطقه نمی باشد و بر به دست آوردن جای پا در آسیای میانه سنجش دارد، در گام نخست از راه ایجاد پایگاه های نظامی. آیا شما این کار را به عنوان تهدیدی برای منافع ملی کشور خود ارزیابی نمی کنید؟

چنین پاسخ داد:

«البته، این یک تهدید است. نگاه بخش چشمگیر نخبگان چینی به این فرایند چنین است. بنابر این، چین با این موضوع که ایالات متحده در آسیای میانه ماندگار شود، مخالفت خواهد نمود. در این رابطه، چین با روسیه، که بیجنگ با آن هم‌نوا در قبال پایگاه هوایی ماناس در قرقیزستان مواضع مشترکی اتخاذ نمود، متحد است.»

با این حال، در جامعه کارشناسی چینی دیدگاه دیگری هم هست. بسیاری بر آن اند که حضور ایالات متحده یک تهدید نیست، و می‌توان به امریکایی‌ها اجازه داد تا در منطقه بمانند. هواداران این دیدگاه، استدلال می‌کنند که حضور ایالات متحده هم برای تثبیت اوضاع در افغانستان و هم در تراز منطقه کمک می‌نماید. خروج نیروهای ایالات متحده بس ناخوشایند است، چون همه نگرانی‌ها در باره امنیت را در این صورت باید دولت چین به گردن بگیرد. با این حال، از دید من کسانی که بر این باورند که برای چین بهتر خواهد بود تا امنیت خود را خودش تامین کند، حق به جانب‌اند. چین باید برای اقدامات پویا در افغانستان، هرگاه تهدید بی‌ثباتی اوضاع و گسترش درگیری به کشورهای دیگر منطقه پدید آید، آماده باشد.

جر و بحث‌های مربوط به نگرش‌های گوناگون در قبال حضور ایالات متحده در منطقه، جامعه کارشناسان را به گونه مطلق سر در گریبان ساخته است.

نگاه نخبگان سیاسی و استراتژی‌ری رهبران چین - حفظ مناسبات همکاری با واشنگتن را در نظر دارد و به همین دلیل، چین از رویارویی با ایالات متحده صرف نظر از این که حضور امریکایی‌ها در منطقه حفظ خواهد گردید یا نه، اجتناب خواهد کرد.»  
وی در بخش دیگری از مصاحبه خود چنین می‌گوید:

«چین در برابر مبدل شدن افغانستان به میدان رویارویی‌ها میان ایالات متحده و دیگر کشورها مخالفت خواهد نمود. به ویژه میان هند و پاکستان. متفاوت از ایالات متحده، چین امکان بازی با کارت دیگر کشورها را در دست ندارد. به عنوان مثال، امریکایی‌ها می‌توانند با پاکستان به کمک لفاظی‌ها و سر دادن شعارهای همکاری، روابط خود را به رغم اختلافات جدی بر سر راهکارها و ساز و کارها (تاکتیک‌ها) در تراز راهبردی (استراتژیک) نگهدارند. بیجنگ مکانیسم‌های همانندی در دست ندارد. از همین رو چین می‌کوشد با پویایی هر چه بیشتر از کشورهایی پشتیبانی کند که با آنان اهداف سیاست خارجی مشترک دارند و برای چین بسیار مهم است که کشورهای دیگر تلاش نوزند موقف پاکستان را نادیده بگیرند. این دولت در افغانستان منافع کاملاً قابل درکی دارد که باید به آن ارج گذاشته شود.»

ما بیش از حد در مورد بحران در روابط با پاکستان و امریکا نگران نیستیم. امریکا نمی‌تواند پاکستان را به دست سرنوشت رها کند و روابط خود را با آن کشور حتا در صورت وخامت بیشتر مناسبات کنونی برهم بزند. اما ما نمی‌خواهیم که تضعیف روابط میان ایالات متحده و پاکستان از سوی هند مورد بهره برداری قرار گیرد. چین هر آن چه را که ممکن است برای زدایش تنش‌ها در روابط میان امریکا و پاکستان انجام خواهد داد. ما امیدواریم که ایالات متحده متوجه خواهد شد که به سود آن کشور نخواهد بود که روابط خود با پاکستان را تیره تر و پیچیده تر سازد، زیرا این کشور از ارکان اصلی امنیت منطقه بی‌است.»

پروفسور ژانگ لی در پاسخ به پرسش دیگر خبرنگار فرغانه رو مبنی بر این که: چنین به نظر می‌رسد که چین در دستیابی به وضعیت بی‌طرفی افغانستان که تضمین معینی برای در نظر داشت منافع همه کشورهای درگیر خواهد بود، ذینفع است؟  
چنین پاسخ گفت:

«سخن گفتن از مبدل ساختن واقعی افغانستان به یک کشور بیطرف می‌تواند تنها در صورتی که تصمیم‌گیری بایسته در زمینه پیش از ۲۰۱۴ انجام گیرد، مفهوم داشته باشد. یعنی پیش از خروج نیروهای ایالات متحده. در این صورت، وضعیت بی‌طرفی افغانستان گواه بر آن خواهد بود که ایالات متحده به گونه داوطلبانه دست به محدود ساختن نفوذ خود یازیده است و در نظر دارد به بیطرفی افغانستان ارج گذارد و در انتظار رفتارهای همانند از سوی کشورهای دیگر است.»

دستیابی به وضعیت بیطرفی پس از ۲۰۱۴ تهی از هرگونه مفهوم عملی است. زیرا هیچ تضمینی وجود ندارد که ایالات متحده - به عنوان بزرگترین بازیگر جیوپولیتیک که وضعیت را در مناطق کلیدی جهان تعیین می نماید، بیطرفی بی را در افغانستان که یا ره آورد کدامین راندمان تاکتیکی بازی یکی از بازیکنان بیرونی و یا بازتابی از مبارزه سیاسی درونی باشد، جدی بگیرد.

چین و ایالات متحده منافع مشترک راهبردی در افغانستان ندارند، اما اهداف مشترک تاکتیکی بی هست، که شالوده استواری را از جمله برای همکاری های اقتصادی می سازند. من به عنوان کارشناسی که از وی برای انجام یک کار باهمی مدتی به ایالات متحده دعوت شده بود، با اطمینان می توانم بگویم که در جامعه کارشناسی امریکایی این درک هست که اهداف تاکتیکی واشنگتن و بیجنگ در افغانستان به هم نزدیک اند. اما نبود اهداف استراتژیک مشترک هم یک واقعیت آشکار است. هرگاه چنین اهدافی موجود نباشند، روشن است نمی توان آن ها را به گونه مصنوعی ایجاد کرد و یا در باره آن ها خیالپردازی کرد. تنها باید کوشید که چنین چیزی منبع تنش ها و یا مخاصمات متقابل نگردد. تثبیت بیطرفی افغانستان پیش از برآمدن امریکایی ها می تواند به عامل پر کردن شکاف ها و یافتن زمینه های مشترک مبدل گردد. این گام اصولاً ناممکن خواهد بود هرگاه ایالات متحده تصمیم به چشم پوشی و انصراف از بخشی از برتری استراتژیک خود به منظور حل مشکلات تاکتیکی مربوط به تامین صلح و زمینه سازی برای توسعه اقتصادی نگیرد.

بنا بر این، چین کنون به تبدیل شدن افغانستان به یک کشور بیطرف بس ذینفع است، اما تنها در صورتی که خود امریکایی ها آن را به چنین وضعیتی در بیاورند. در غیر آن، دشوار است درک کرد که چرا چین خواهان بیطرفی افغانستان باشد، زیرا برای چین سودمند تر است تا بر سر افزایش نفوذ خود در این کشور مبارزه کند.

ما در پی گرفتن جای امریکا در افغانستان نیستیم. ما برای این کار نه امکانات مالی، نه امکانات نظامی، نه امکانات اطلاعاتی و سیاست خارجی مانند واشنگتن داریم. چین هرگاه تلاش کند مانند امریکا به افغانستان بیاید، نمی تواند در این کار حمایت جامعه بین المللی را به دست بیاورد. با این هم، بیجنگ باطد به شدت نفوذ سطاسی و اقتصادی خود را در این کشور افزایش ببخشد. تنها در این صورت ما می توانیم از سرمایه گذاری های انجام داده خود حمایت کنیم و برای پیاده ساختن پروژه های اقتصادی نو زمینه سازی نماییم.»